

سرمقاله

## آنگاه دیدیم

مهدیه کریمی (عضو شورای عمومی مجمع دانشجویی آرمنا)

شده حس کنی خسته شدی؟ شده دلت بخواد چیزی رو که روزها و شاید هم سالها برات تلاش کردی رو بزاری و بری؟ شده دلت بخواد عطای داشته‌هات رو به لقاش ببخشی و به خود قابلیت برگردی؟ من یکی از همین آدم‌ها بودم!!

روزای اول ترم یک دلم برای صدای اذان تنگ شده بود، برای فعالیت‌های بسیج محلمون، برای دل‌های دردمند اما پردغدغهایی که می‌شناختم.

یکی از همین روزای خسته‌کننده که بریده بودم اتفاقی افتاد که خدا کردش به مقدمه برای اینکه اتفاقی خوبو توی زندگیم رقم بزنه.

در اتاق زده شد خانمی پشت در بود با پوششی طبق معمول خانمای چادری که هر روز می‌بینیمشون اما اون خانم یه فرق بزرگ با بقیه داشت...

حرفاش رنگ بوی گمشده همیشه ما رو میداد... از این میگفت که دردت بیاد از بی‌عدالتی...

خواست نه فقط به آدم‌ها، به دنیایی که خدا آفریدتش تا از آن بهره ببری هم باشه و یه زنجیر ساخته شه تا باغ فرزانه و درختاش تگه داشته شن و شهر را اردیبهشتی کنن...

با اینکه نکته هویت زن بودنش رو فراموش کنی زیر چرخ‌دنده‌های دنیایی که فقط توسعه رو میبینه... حرفاش برام جالب اومد، قرار شد بینمش.

یه روز که به اصطلاح رفته بودم شیراز گردی پیداش شد... حرف از یه جلسه بود و استادی که حتی اسمشم نشنیده بودم...

وقتی رفتم و دیدمشون تعجب کردم، جمعشون کوچیک بود... اون کلاس برای من ترم یکی سنگین اومد...

اون موقع نمی‌دونستم فراجناحی بودن یعنی چی؟ نمی‌دونستم از آدم‌ها بت ساختن دقیقاً به دلیل آدم بودنش یعنی چی؟

اما یه جا از حرفاش شد یه جرقه، دیگه نتونستم بشنیم و گوش کنم، گذاشتم و زدم بیرون و یه خط پررنگ قرمز دورشون کشیدم...

فکر می‌کردم با این حرکت دیگه سراغم نیان، اما اومدن و بعد هشت ماه که فقط وایسام و نگاشون کردم من دیدم آدمایی رو که از شرمندگی یه پدر در دشون میومد...

براشون مهم بود شایسته‌ها ساکن دار باشند و ساحل امن زیرایی‌رفته‌ها رو ناامن کردن...

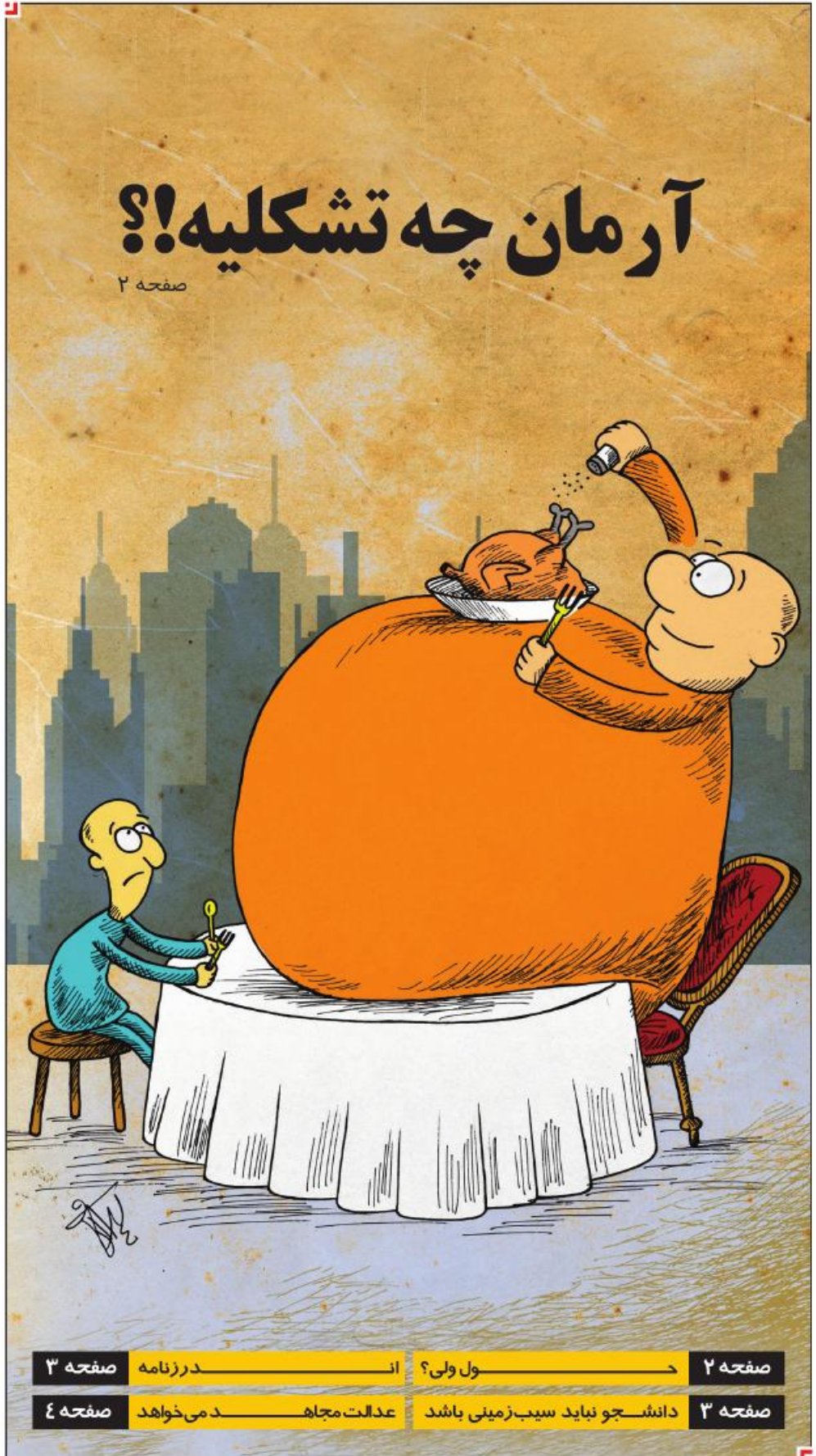
براشون مهم بود که اگه مردمی دستشون به جایی بند نیست از جون و دل نماینده اون مردم بشوند و درد در گلو ماندشون رو فریاد کنند... می‌دونستن نباید اجازه بدنند که عدالت زیر لوای تساوی سر بریده شه...

من از خودشون یاد گرفته بودم از آدم‌ها قدیسه نسازم... اما بعد این یه سال می‌دونم این تفکر باور داره ظهور اتفاق نمی‌افته مگه اینکه ما جامعه رو آماده کنیم... مگه اینکه جامعه حداقل مولفه‌ها برای داشتن آخرین ذخیره هدایتو داشته باشه... این تفکر برای حفظ میراث مستضعفین از مال و موقعیت خودش میگذره... و این روزا عدالت آرمانیه که من رو سهیم کردن در تلاش برای تحققش...

...به امید ظهور عدالت گستر گیتی...

# آرمان چه تشکلیه!؟

صفحه ۲



صفحه ۲ - ول ولی؟ - ان درزنامه - صفحه ۳

صفحه ۳ - دانشجو نباید سیب زمینی باشد - عدالت مجاه - صفحه ۴

# آرمان چه شکلیه؟!

ابتدا شناخت و سپس پیگیری مشکلات آن‌ها داشته است که البته گاهی - مانند ترم گذشته دانشگاه- به دلیل نگاه امنیتی به این موضوع از سوی مسئولین شهری، مجوز یک نشست دوستانه با مردم آن مناطق هم به دانشجویان داده نمی‌شود.

در سال گذشته سلسله کارگاه‌های بایسته‌های عدالت‌خواهی، نشریه و محتوای سمعی بصری در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، پخش مستند «داد» با حضور اقشاری مانند پرستاران که به بی‌عدالتی در حق آنان در مستند پرداخته شده بود، پخش مستند در مورد «بحران جنسی» که با استقبال شگفت‌انگیز دانشجویان روبه‌رو شد، پخش فیلم سینمایی «بادیگارد» و... نمونه‌هایی از این دست از برنامه‌های آرمان بوده‌اند.

تشکیل آرمان از عدالت آموزشی نیز غافل نبوده است. برگزاری تریبون آزاد، اعتراض به مشکلات دانشجویان سنوات دانشگاه، دعوت از پروفیسور گلشینی و دکتر مجید حسینی چند مورد از پیگیری‌ها و برنامه‌های انجام گرفته در این حوزه است. آرمان در بحبوحه‌ی تصویب بندهای ضد امنیت FATF به سیاست بی‌توجهی ماند و با برگزاری همایش‌هایی با موضوع روشنگری ابعاد ضد امنیتی آن و همچنین بسیج کردن تشکلهای دیگر دانشگاه شیراز و سایر دانشگاه‌های سراسر کشور، نقش مهمی در جلوگیری از تصویب این لوایح خطرناک در مجلس داشت.

\*\*\*

آرمان محفل دانشجویانی است که معتقدند: ولایت‌مداری منهای عدالت‌خواهی یک دروغ بزرگ و عدالت‌خواهی منهای ولایت‌مداری یک انحراف بزرگ است.



خود را به‌عنوان تنها تشکل رسمی جنبش عدالت‌خواه دانشجویی در شیراز آغاز کرده است. آرمان ضمن تلاش در جهت ترویج مفهوم عدالت و تحقق عدالت‌خواهی در سطح دانشگاه شیراز و شهر و استان و در هر کجا که وقوع بی‌عدالتی به‌یقین برسد، ورود جدی کرده است و در ادامه نیز ورود خواهد کرد.

## فعالیت‌های آرمان

یکی از آخرین این پیگیری‌ها در سال گذشته، اعتراض به بی‌عدالتی‌ها و فسادهای صورت گرفته در شهرداری صدر - در حومه شهر شیراز - بود که بخشی از رفتگران آن شهر مدت زیادی حقوق نگرفته بودند و به اعتراض آن‌ها اعتنا نمی‌شد و حتی تهدید به اخراج می‌شدند. در نتیجه‌ی پیگیری‌های مستمر مجمع دانشجویی آرمان و ورود دستگاه قضایی، شهردار و چند نفر از مدیران شهرداری و اعضای شورای شهر صدر بازداشت شدند. تشکل آرمان دانشگاه شیراز از معضلات مناطق محروم شهر نیز غافل نمانده است و سعی در

نقطه‌های استفهام‌برانگیزی ست که هر جوان معتقد به عدل اسلامی ذهن و دل خود را به آن متوجه می‌یابد و از کسانی که مظلون به چنین تخلفاتی شناخته می‌شوند پاسخ می‌طلبد و همچنین در کنار آن از دولت و مجلس و دستگاه قضایی عملکرد قاطعانه برای ریشه‌کن کردن این فسادها را مطالبه می‌کند.

پیام ۶ آبان نقطه‌ی عطف متشکل شدن هسته‌های عدالت‌خواهی در شهرهای مختلف کشور و از جمله شیراز بود. هسته‌هایی که پس از چند سال، منجر به شکل‌گیری «جنبش عدالت‌خواه دانشجویی» شد. ثمره‌ی این موج اجتماعی جدید، نسلی از دانشجویان عدالت‌خواه در شیراز و دیگر شهرهای کشور بودند که جوانی خود را صرف تحقق مهم‌ترین آرمان انقلاب اسلامی نمودند. جوانانی که عدالت‌خواهی را لب‌انتظار امام خود، از خود می‌دانستند.

**پایگاه عدالت‌خواهی در دانشگاه شیراز**  
تشکل آرمان (عدالت‌خواه) از سال ۹۴، فعالیت

عزیم عطارزاده (عضو شورای مرکزی مجمع دانشجویی آرمان)

## تاریخچه:

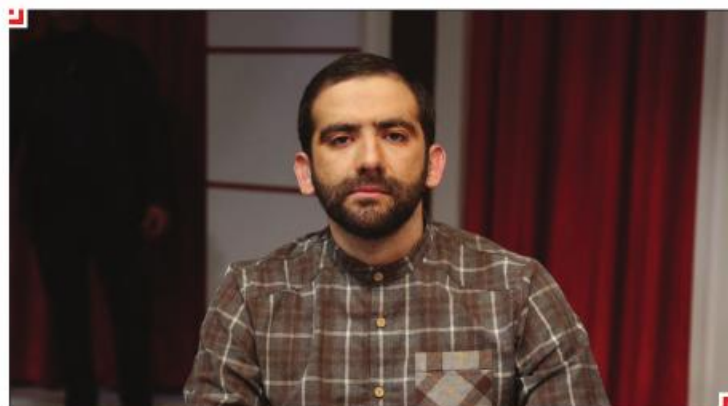
در نتیجه‌ی سیاست‌های اقتصادی دهه‌ی هفتاد، مفاسد اقتصادی در کشور رشد شتابانی به خود گرفت و شکاف طبقاتی در کشور افزایش یافت. قله‌های ثروت، منجر به شکل‌گیری دره‌های فقر شدند. رهبر انقلاب در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۰ طی فرمانی خطاب به سران وقت سه قوه، دستور شکل‌گیری ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و برخورد با دانه درشت‌ها را صادر کردند. سران وقت سه قوه با وجود دستور رهبری و مطالبه‌ی مردم، هیچ اقدامی در این راستا نکرده حتی یک جلسه‌ی ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی نیز تشکیل نشد.

یک سال و نیم بعد و در زمانی که مسئولان مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی، بعضاً خود نمک‌گیر مفسدان اقتصادی شده بودند این بار رهبر انقلاب دانشجویان را مخاطب قرار داد. رهبری در پیام ۶ آبان ۱۳۸۱ از دانشجویان خواستند که «هر پدیده‌ی ضدعدالت در واقعیات کشور مورد سؤال قرار گیرد. مسابقه‌ی رفاه میان مسئولان، بی‌اعتنایی به گسترش شکاف طبقاتی در ذهن و عمل برنامه‌ریزان، ثروت‌های سر برآورده در دستانی که تا چندی پیش تهی بودند، هزینه کردن اموال عمومی در اقدام‌های بدون اولویت و به‌طریق اولی در کارهای صرفاً تشریفاتی، میدان دادن به عناصری که زرنگی و پروپاگاندای آنان همه‌ی گلوگاه‌های اقتصادی را به روی آنان می‌گشاید و خلاصه پدیده‌ی بسیار خطرناک انبوه شدن ثروت در دست کسانی که آمادگی دارند آن را هزینه‌ی کسب قدرت سیاسی کنند و البته با تکیه بر آن قدرت سیاسی اضعاف آنچه از هزینه کرده‌اند گرد می‌آورند. این‌ها و امثال آن

# حول ولی؟

لایه‌های مختلف نظام تلاش کنند. در نهایت تنها به حفظ وضع موجود کمک کرده و ناراضیانی مردم را افزایش می‌دهند.

ولایت نه یک سیستم سلطنتی بالا به پایین که نظامی دوطرفه است، رهبری جهت‌گیری‌های کلی را مبتنی بر آموزه‌های دینی اعلام کرده و بر اساس ظرفیتهای مردم، نخبگان و مسئولین از خود نشان می‌دهند، جمع‌بندی کرده و نظام را پیش می‌برد. زمانی که ظرفیت عمومی هست مثلاً انرژی هسته‌ای حق مسلم می‌شود و زمانی که ناکارآمدی اقتصادی و درگیری در بحث‌های سیاسی مردم را خسته کرده، ترمش قهرمانانه و حتی اجازه به اصرار مسئولین به عقب‌نشینی از بعضی خط قرمزها، مردم و نخبگان در این چارچوب، وظیفه ظرفیت‌سازی، امر به معروف و نهی از منکر و دادخواهی مظلوم را برعهده دارند.



یادداشت ویژه میمان

محمدصادق شهبازی

جریانی، در توهم دفاع از ولایت، هرگونه نقد، پاسخ‌خواهی، دادخواهی و اصلاح سیستم را ضدیت می‌شمارد و اگر از سوپور سر کوجه هم انتقاد شود، می‌گوید سوپور زیرمجموعه سر سوپور هست، او ذیل شهرداری و... تا رهبری و امام زمان جلو می‌رود؛ لذا انتقاد از نحوه جمع‌آوری زباله در فلان کوجه، در حکم محاربه با امام زمان است! از تقدم ولایت بر عدالت، ولایت‌بستگی، تسری ولایت و... سخن گفته و در نهایت اشکالات را توجیه می‌کنند.

جریان دیگر، همه ناکارآمدی‌ها و عقب‌گردها را به رهبری و نظام نسبت می‌دهد.

هر دو نگاه یک پایه و نتیجه دارند؛ انگار شأن و سیره رهبری دخالت در تمام امور کشور است یا رهبری مستقل از اراده مردم و مسئولین در تمامی تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند دخالت کند.

مسئولین و نخبگان، مسئولیت را از خود سلب، عاقبت‌طلبی را توجیه، امکان نقد و اصلاح را منتفی می‌کنند. غیرواقعیانه در توجیه/ نفی کارنامه رهبری و نظام سخن می‌گویند، بدون آنکه برای اصلاح وضعیت موجود و اصلاح

مردم، نخبگان و مسئولین عناصری منفعل‌اند و مانند ربات به‌وسیله رهبر هدایت می‌شوند. در یک کلمه تعریف سلطنتی از حکومت اسلامی و ولایت ارائه می‌دهند. هر دو جریان، با منفعل انگاشتن مردم،

# اندرزنامه

نازنین آرمان

سلام میگم آقا کنونی سفید با کت و شلوار و جلیقه نپوش برادر من، دخترم کفش پاشنه بلند با مانتویی که از جزایر هاوایی اومده هم تنت نکن و بیا دانشگاه اومدی درس بخونی مهمونی که نیومدی مراقب صورتت هم باش چهار سال قراره بمونی آروم آروم پیش برو. یا اگر همه این کارا رو کردی کفش نو و آل استار رنگ رنگ رنگیت رو با کیف کوله‌ای پر از پیکسلت ست نکن همه میفهمن که بوقی، نه ببخشید صفری هستیا.

اومدی دانشگاه حداقل مامانت رو نیار همراهت برای انتخاب کلاس و معلم خوب بر اساس نمره هم کلاس‌بندی نمی‌شیم، هر درسی که تو انتخاب واحد برداشتی می‌ری سر اون کلاس از من بشنو.

ترم اول بیست چهار واحد برنار میوفتی همش رو ها! آخه پونزده واحد اختصاصی اصلا میدونی چیه؟! همه عمومی‌ها رو هم با هم برنار ترم آخر برای اینکه مشروط نشی بهشون نیاز داری!

میگی از کجا می‌دونم خوب تو هر کلاسی که میرم می‌بینم خواهر من برادر من نکن! نهایت چهارده واحد بردار پاس کردی ترم‌های بعد خودت رو ارتقاء بده برای غول مرحله آخر و گرفتن مدرک!

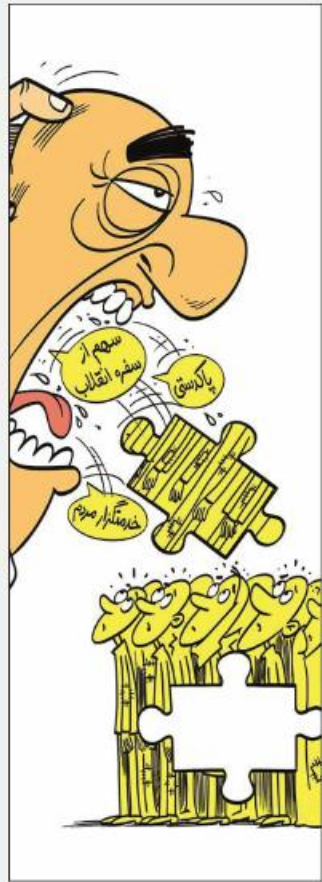


اون دفترهای جلد فانتزی با عکس السا و خواهرش هم مناسب نیست دخترم، پسرم شما هم به کلاسور هم قد خودت برمی‌داری میاری که چی بشه چهار تا برگه آچار بیار همراهت با یه مداد اگر سر کلاس خواب نری تا ترم آخر کافیه برات. حالا اینا به کنار چرا کتابات جلد می‌گیری و اسم می‌نویسی بابا ما که این حرفا رو نداریم با هم که...

هر کتابی هم که استاد گفت حتما بگیر یادت ترم برای پاس شدن به خواندن کتاب‌های

# از «عدل» هزار قصه گفتند ولی...

محمد مهدی سیار



این یک، مشغول خوردن و بردن شد آن، مسئول شکم در آوردن شد! در عهد بخور بخور نخوردن جرم است تکلیف من و تو خون دل خوردن شد

\*\*\*

این بسته کمر یکسره در خدمت ما آن خسته جگر در طلب راحت ما از «عدل» هزار قصه گفتند ولی جز «قسط» نشد آخر سر قسمت ما!

\*\*\*

کی موسم پژمرده‌شان می‌آید؟ پابان دل آزرده‌شان می‌آید؟ دیدیم زمین خواری‌شان را یا رب! کی روز زمین خورده‌شان می‌آید؟

## کار و سکاتور



جامعه آنقدر روح آرمان‌ها را افسرده کند که به وضع موجود راضی باشیم و نه اینکه در تخیلات رویایی خود زمان را هدر بدهیم.

آرمان‌های فراموش شده را در دنیای روزمره تک‌تک انسان‌های مظلوم باید پیدا کرد. در دستان دخترک لیف‌فروش و پسر مرد ترازو بدست، در برج‌های طاقوتی روشن‌فکر نمایان یا مقدس نمایان! قطعاً هیچ عقل سلیمی از رفاه و پیشرفت اقتصادی جامعه ناراضی نیست اما صدای اعتراض از آن‌جا بلند است که تسهیلات و امکانات در اختیار عده محدودی قرار گرفته و مابقی چرخ‌دنده و سنگ زیرین آسیاب همان اقلیت شده‌اند! آرمان که چیز عجیب و غریبی نیست، سنگ زاخالا در اعماق غارها نیست! ساده است... «جامعه‌ی اسلامی» به معنی واقعی کلمه! حکومت اسلامی در تمام شئون.

آرمان‌خواهی یعنی مبارزه با استکبار و ظلم از همه نوعش. چه خارجی چه داخلی؛ هر کدام از مصداق‌های زر و زور و تزویر که نمی‌گذارند حق به حق‌دار برسد و عدالت در جامعه مستقر باشد. حالا آن مصداق می‌خواهد آقازاده باشد یا جانباز صفین، چه فرقی دارد!؟

دانشجوی آرمانی جوانی ست که همچون گفته علی(ع) از درد ظلم‌هایی که به مردمانش به ناحق رفته است، قرار نداشته باشد و خواب و خوراکش مختل شود و آرام نگیرد مگر زمانی که حق به حق‌دار برسد؛ تا برپایی عدالت در لحظه‌های جامعه. انتخاب با خود ماست... اینکه سبب زمینی نباشیم!

# دانشجو نباید سبب زمینی باشد



شده است. در واقع مسأله‌شناسی است که انسان را از غرق شدن در بی‌تفاوتی نجات می‌دهد و تبدیل به یک انسان دردمند می‌کند. باید کدورت‌های نگاه را کنار زد و درد حقیقی را شناخت.

آرمان یک انسان نه باید به اهداف جزئی تقلیل پیدا کند و نه اینکه آنقدر تخیلی باشد که در چهار چوب منطق و واقعیت ننگند. آرمان‌خواهی باید واقع‌گرایانه باشد. نه حقیقت

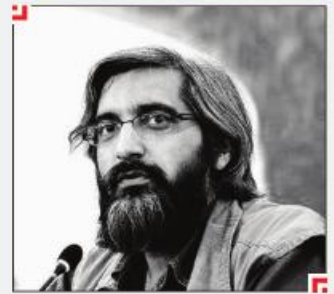
ترم اولی که بودم درگیر و دار درس و امتحان و نگرانی‌های خوابگاه و رفتار هم‌کلاسی و هم اتافی و استاد و هزینه‌ها و هزار مشغله فکری متفاوت، یک جمله روی میز کتاب‌فروشی ورودی دانشگاه توجهم را به خودش جلب کرد. کتابی بود با عنوان «دانشجو نباید سبب زمینی باشد!»

از آن روز سال‌ها گذشته و در دفتر خاطرات شخصی‌ام پر است از دانشجو‌هایی که درخواستند سبب زمینی باشند؛ همان‌هایی که در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی و تقلاهای زیادی داشتند. بعضی‌هایشان دغدغه را فقط در درس و انجمن علمی و... دیدند و یکسری دیگر در ظواهر دینی یا نگرش سیاسی مردم و دانشگاهی‌ها، عده‌ای هم ناخودآگاه پیاده نظام احزاب شدند و دانشگاه برایشان شد بساط دربی چپ و راست و دعوای سیاسی و ازین قبیل بازی‌ها... و عده کمی فهمیدند که دانشجو توان‌های بزرگ دارد و می‌تواند در ابعاد مختلف کارهای بزرگ‌تری انجام دهد. در واقع خیلی از دانشجو‌ها توانستند فرق بین سبب زمینی بودن و سبب زمینی با سس لفظی بودن را تشخیص دهند و به خیال خود کارهای بزرگی کردند!

نکته اینجاست که «اولویت‌شناسی» در دغدغه‌یابی، شاید مهم‌تر از دغدغه‌سازی باشد. باید دید چه «مساله» و بحرانی در سطح جامعه منجر به فروپاشی اصول اخلاقی و اجتماعی

## عدالت مجاهد می خواهد

وحید حلیلی



چرا مردم با علی (ع) همراهی نکردند؟ مگر دلسوزتر و عدالتخواهتر از حضرت علی (ع) وجود داشت؟ حکومت علی مغلوب جنگ نرم شد. در یک جنگ روانی کار به جایی رسید که علی (ع) را به شهادت رساندند!

مشکل حکومت علی (ع) این بود که کسی نبود با این سازوکارها مخالفت کند، آن‌ها هم که مخالفت می‌کردند تک‌تک حذف می‌شدند، رویش‌هایی هم جای آن‌ها را نگرفت. پس در جامعه علی (ع) از آن‌ها که باید تحلیل، روشنگری و توجیه می‌کردند، عده‌ای شهید شدند، سکوت کردند، دچار شبهه و تردید شدند، یا خودشان را فروختند.

آیا جمهوری اسلامی نمی‌تواند به چنین آسیب‌هایی دچار شود؟ اتفاقاً جامعه امروز ما در یک چنین شرایطی قرار دارد. امام علی (ع) می‌فرماید که من می‌خواهم پرچم عدالت دست افرادی باشد که اهل فکر و تحلیل هستند، این تعبیر صریح نهج البلاغه است.

اگر من و شما که ادعای عدالت‌خواهی داریم تأمل و مطالعه و این ابتدائیات را کنار بگذاریم، به روزمرگی دچار می‌شویم و عدالت‌خواهی تبدیل به یک دکان و دستگاهی برای دیده شدن می‌شود، آن وقت دیگر مهم نیست این عدالت‌خواهی برای مردم آب و نان دارد یا نه! مهم این است که برای شخص خودمان اینطور باشد!

چهل سال از انقلاب ما گذشته است الان باید به یک جمع‌بندی برسیم تا بتوانیم سپس، به یک تجدید مطلبی برسیم! باید مجموعه تجربیات، درس‌ها و عبرت‌های خود را جمع‌بندی کنیم و نباید اشتباهات گذشته تکرار شود، بلکه با اشتباهات جدید برخوردیم.

بنده بیش از همه با تاجر مبارزه کردم اما آیا قرار است به اسم مبارزه با تاجر بخش مهمی از تهدیدها و خطرهای انقلاب را فراموش کنیم؟! یادمان نرود که التقاط چه ضربه محکم و مهلکی می‌خواست به این انقلاب بزند! در عرض دو سال ذخیره شیعه را جارو کردند، بهشتی و رجایی و باهنر و... را همین‌ها به شهادت رساندند. خطیر و جدی بودن مسئله را درک کنید، همتان را مضاعف کنید و به میدان بیایید، نگویید به ما چه مربوط است! عدالت مجاهد می‌خواهد نه بچه سوسول و نه افراد لات.

## رستاخیز عاشقی

مریم عطارزاده (عضو شورای مرکزی مجمع دانشجویی آرمان)

بعضی کتاب‌ها را باید مانند یک نوشیدنی دلنشین یکهو سر کشید. یعنی اگر بگذاری بماند، از دهن می‌فتد؛ این کتاب از آن کتاب‌ها است. شاید کلیشه‌ای بنظر برسد، اما هنوز هم برای ذهن کسی که در زندگی‌اش یک کتاب عالی خوانده باشد رساننده‌ی منظور هست؛ این کتاب را به معنی «واقعی» کلمه وقتی در دست بگیری و شروع کنی دیگر نمی‌توانی زمین بگذاری.

مشخص کردن موضوع اصلی داستان سخت است؛ زیرا کتاب به موضوعات زیادی می‌پردازد که برخی در دنیای واقعی نیز مصداق دارند (با تطابق نه کاملاً دقیق اما بسیار زیاد با واقعیت؛ برای مثال تشبیه طلبه‌ی عدالتخواه درون داستان با طلبه‌ی بروجردی)؛ اما هرچه بیشتر در داستان پیش می‌روی یا در پایان نگاهی کلی به داستان می‌اندازی، پی می‌بری که موضوع اصلی آن «عشق به خدا» است. این عشق تبعیت از تمام احکام خدا - تمام آن‌ها - را در زندگی فردی و اجتماعی فرد باعث می‌شود. یکی از نموده‌های این اطاعت، عدالت‌خواهی و عدالت‌طلبی است و بسیار نموده‌های ریز و درشت که در داستان شاهد آن هستیم.

خواننده با خواندن رمان، مفاهیم بسیار زیادی را بطور غیر مستقیم و از طریق قصه‌گویی می‌آموزد که قطعاً تاثیر آن بسیار بیشتر از انتقال مستقیم آنهاست. توصیه می‌شود کتاب را به عنوان یک غذای دلچسب روح، سرکشید.

بخشی از متن کتاب: «این طومار دریچه اطمینان مدیریت شهر برای منفجر نشدن مردم است. اگر امروز این جمعیت آمده، مطمئن باشید شما دارید قلعه‌ی کوه یخ را



می‌بینید. قصه سر دراز دارد. حتی اگر فکر و ذکرتان انتخابات است، باید خودتان جولدار مبارزه با فساد باشید تا مردم دوباره به تفکرتان اعتماد کنند و رأی بدهند.»

«این‌ها چشان شده بود؟ اینقدر اوضاعشان خراب بود یا واقعا نمی‌فهمیدند چه خدمتی بهشان شده که این اعتراض پنهان، رو آمده و از مجرای مطمئنی پیگیری می‌شود؟!»

## نظرات ارسالی

خوانندگان نشریه و اعضای کانال آرمان به اهدمین

۰۹۳۷\*\*\*۰۴۶

سلام. کارخونه روغن نباتی شیراز مشکلاتی داره. لطفاً پیگیری کنید.

۰۹۱۵\*\*\*۰۲۶۳۲

فوت دکتر چنگیزبان خیلی برای همه دانشجویان بخش زبان سخت بود. بیانیه‌ای که زدید و از ایشان به نیکی یاد کردید و تمام قد دفاع کردین. تسلی دل ما هست جای خالی ایشان رو هیچ کسی نمیتونه پر کنه.

۰۹۱۳\*\*\*۰۸۸۴۱

سلام. تلاش‌هاتون برای شهرداری صدرا واقعا عالی بود. خدقوت.

۰۹۱۷\*\*\*۰۲۰۵۴

سلام. لطفاً بفرمایید که در ادامه چه برنامه‌ای برای پیگیری کارخانه گچ ارژن دارید؟

دانشجویان عزیز می‌توانید نظرات خود را به شماره ۰۲۵-۰۱۳۸۵-۰۹۹۰ و یا به آدرس @armanshirazu ارسال کنید..... در صورتی که تمایل به همکاری با آرمانشهر و مجمع دانشجویی آرمان را داشته باشید نیز می‌توانید از طریق راه‌های ارتباطی فوق، تماس برقرار کنید.....

### گزارش تصویری

### سفر عدالت...



### شناسنامه

**آرمانشهر**

گاهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی دانشگاه شیراز  
سال پنجم - شماره بیست و دوم

شماره مجوز: ۴۳۰/ک  
سازمان: مجمع دانشجویی آرمان دانشگاه شیراز  
مدیر مسئول و سردبیر: فهیمه نیکخو  
دبیر تحریریه: مهدیه کریمی  
هیئت تحریریه:  
حسین ابراهیمی، نازنین آرمان، فائزه آقا، موهبت آوازه، فاطمه حیدری، رحیم خدابخشی، زینب دیندارلو، زینب رئیسی، احمدشهبازی، محدثه فلاح، مهدیه کریمی، محمدحسین گیجا، سیاوش علی‌نژاد، مریم عطارزاده، حمید محمدپور، فهیمه نیکخو  
طراح و صفحه‌آرا: محمد مهدیان‌فر

مجمع دانشجویی آرمان دانشگاه شیراز  
ارمان: هفتاد و پنج نفر از دانشجویان

### شهربانوهای کارتن‌آباد

با حضور  
خانم اشرفی و خانم یوسفی  
(اعضای هیئت مدیره اجتماعی آرمان)

دو شنبه ۱۲ اردیبهشت ساعت ۱۴  
ساعت ۱۵ در محل مسابقات

مجمع دانشجویی آرمان دانشگاه شیراز  
منازعت‌ترین بزنامه، روزنامه دانشجویی، روزگار سعدی

### در نساجی چه خبر است؟

صدایی از جنس بی‌تعداد است

هم نشینی با ساکنین محترم محله بحریم سعدی  
به بهانه روز دانشجو

با حضور دانشجویان و باغچه‌سازان نساجی  
و ساکنین دانشگاه شیراز در محل مسابقات  
دو شنبه ۱۲ اردیبهشت ساعت ۱۴